

۱۷۱/۱۹۷.  
۱۷۱/۱۹۷

سلاطین

۱۲۱۹



دانشکده حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

موضوع:

مطالعه مجازاتهای بدنی حدی قانون

مجازات اسلامی در پرتو موازین حقوق بشر

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر رضا نوربها

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر حسین مهرپور

دانشجو:

سولماز جدیدی

بهار ۱۳۸۷

۱۱۰۶ / ۱۳۸۷

۱۰۶۸۹۰

**تقدیم به شکیباترین و کوشاترین آموزگاران**

**زندگی ام، پدر و مادر عزیزم**

سپاس خدای بزرگ و مهربان را که بدون لطف و عنایت وی این رساله به انجام نمی رسید. با تشکر و سپاس فراوان از اساتید ارجمند جناب آقای دکتر نور بها و جناب آقای دکتر مهرپور که در تهیه و تدوین این رساله از راهنماییها و روشنگریها و حمایتهای بی دریغ و بزرگووارانه شان ، در حد بضاعت و درک خویش بهره های فراوان بردم ؛ همچنین از جناب آقای دکتر میر محمد صادقی که زحمت داوری این رساله را به عهده داشتند ، کمال تشکر و امتنان را دارم . بعلاوه بر خود لازم می دانم از جناب آقای دکتر نوبهار که همواره با رهنمودهای ارزنده و مفیدشان اینجانب را در انجام این رساله فروتنانه و با شکیبایی بسیار یاری نموده اند، تشکر و قدر دانی نمایم و نیز از دوستان عزیزم سرکار خانم آسیه صفری و پدر بزرگووارشان و سرکار خانم مرضیه همتی که در تمام مراحل تهیه و گردآوری این رساله دلسوزانه و با صبر فراوان این حقیر را مورد راهنماییها و کمکهای ارزنده خود قرار داده اند ، ممنون و سپاسگزارم.

از خانواده عزیزم که در طول انجام این رساله با شکیبایی و تحمل بسیار و مهربانی های خویش و ارائه راهنماییهای ارزنده، در هموار کردن این راه کوششهای بی شائبه نمودند ، صمیمانه ترین و پاک ترین تشکرها را دارم.

در پایان نیز از تمام نویسندگان و محققان و مترجمانی که از حاصل زحماتشان سود برده ام و همچنین از تمام کسانی که منت گذاشته و یاری ام کرده اند، متشکر و سپاسگزارم.

## چکیده

با وقوع انقلاب و تغییر حکومت، به دلیل ایدئولوژی خاصی که متعلق به دولت اسلامی بود، ما شاهد تغییرات بسیار زیادی در قوانین جزایی بودیم. یکی از این تغییرات عمده، شرعی کردن مجازاتها و اعمال مجازاتهای شرعی به جای مجازاتهای عرفی بود اعمال چنین تحولاتی در نظام مجازاتها، پیامدها و عواقب بسیار زیادی با خود به همراه داشت.

یکی از خصوصیات مجازاتهای شرعی غلبه مجازاتهای بدنی بر سایر مجازاتها می باشد که این مسئله به خوبی در باب حدود مشاهده می شود. با اجرای گسترده مجازاتهای بدنی خاصی نظیر سنگسار، قطع ید و شلاق ادعاهای زیادی مبنی بر نقض حقوق بشر علیه دولت جمهوری اسلامی مطرح شد.

دولت ایران به جهت پیوستن به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، متعهد به پرهیز از اعمال مجازاتهای خشن، ظالمانه و غیرانسانی است و نهادهای مختلف حقوق بشری بارها و بارها به انحاء مختلف این مسئله را به دولت ایران متذکر شده اند و از دولت ایران درخواست نموده اند تا به تعهدات بین المللی خود عمل نماید.

در این تحقیق آنچه بایستی مورد مطالعه و بررسی قرار می گرفت، با توجه به حوزه کار ما، انسانی یا غیرانسانی بودن مجازاتهای جدی بود؛ به عبارتی پاسخ دادن به این سؤال که آیا مجازاتهای بدنی حدی خلاف موازین حقوق بشری مقرر در اسناد بین المللی می باشند؟ یا اینکه ادعاهای مبنی بر ظالمانه بودن مجازاتهای بدنی حدی، ادعاهایی بی پایه و اساس است؟

در پاسخ به این پرسش با ملاحظه و تحلیل اسناد مختلف حقوق بشری و ضابطه های مقرر در آنها، مشاهده می شود که مجازاتهای بدنی حدی در تقابل با این ضابطه ها قرار دارد؛ به عبارت دیگر اجرای این قبیل مجازاتها، نقض تعهدات بین المللی دولت ایران محسوب می شود که عواقب بسیار زیادی را نیز تاکنون به همراه داشته است. صدور قطعنامه های متعدد مبنی بر نقض حقوق بشر، توسط نهادهای مختلف ناظر بر اجرای حقوق بشر از جمله این عواقب می باشد.

حال با توجه به اهمیت این موضوع، این سؤال مطرح می شود که آیا راهی برای تطبیق و سازگاری مجازاتهای بدنی حدی با موازین حقوق بشر وجود دارد؟

با بررسی نظریه های مختلفی که در این باب وجود دارد، ملاحظه می کنیم که مجازاتهای حدی، اصولی ثابت و لایتغیر نیستند و تابع اقتضائات خاص هر زمان و مکان می باشند. اجرای مجازاتهای حدی مستلزم وجود شرایط خاصی است که با فقدان آن شرایط مقتضی و مناسب است از اجرای آنها خودداری شود و مجازاتهایی که متناسب با زمان باشند جایگزین آنها شوند.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: مطالعه و بررسی اسناد و موازین حقوق بشر و معرفی اجمالی حدود.....	۷
گفتار اول: مطالعه و بررسی اسناد و موازین حقوق بشر.....	۸
۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر.....	۱۰
۲- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.....	۱۶
۳- کنوانسیون منع شکنجه و هر نوع مجازات یا رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیر کننده.....	۲۰
گفتار دوم: مطالعه و معرفی اجمالی حدود.....	۲۵
۱- زنا.....	۲۶
۲- لواط.....	۲۹
۳- مساحقه.....	۳۱
۴- قوادی.....	۳۳
۵- قذف.....	۳۴
۶- حدمسکر.....	۳۶
۷- محاربه و افساد فی الارض.....	۳۸
۸- سرقت.....	۴۲
فصل دوم:.....	۴۴
مقایسه و تطبیق انواع مجازاتهای بدنی حدی قانون مجازات اسلامی با موازین حقوق بشر.....	۴۴
گفتار اول: مجازاتهای بدنی حدی بیّنات حیات.....	۴۹
۱- رجم.....	۴۹
۱-۱ قطعنامه‌ها صادره علیه دولت ایران در خصوص مجازات رجم.....	۵۳
۲- ۱ گزارشات نمایندگان ویژه «کمیسیون حقوق بشر» در خصوص مجازات رجم.....	۵۸
۳- ۱ بررسی توصیه‌ها و تفسیرهای نهادهای حقوق بشری سازمان ملل در خصوص مجازات رجم.....	۶۰

- ۶۰ - کمیته حقوق بشر (H.R.C) .....
- ۶۱ - کمیته منع شکنجه (CAT) .....
- ۶۳ - شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (Economic and social council) .....
- ۶۴ - کمیته سوم سازمان ملل (third committee of the united nation) .....
- ۶۴ - کمیساریای عالی حقوق بشر (the high commissioner for human rights) .....
- ۶۵ - ۲- قتل .....
- ۱-۲ بررسی ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص مجازات قتل در باب  
حدود .....
- ۶۶ - ۲-۲ بررسی ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص مجازات قتل در باب  
حدود .....
- ۷۳ - ۳- صلب .....
- ۸۲ - ۸۵ - گفتار دوم: مجازات‌های بدنی حدی غیر سالب حیات .....
- ۸۵ - ۱- کیفر قطع عضو (Amputation) .....
- ۸۷ - ۱-۱ قطعنامه‌های صادره علیه دولت ایران در خصوص کیفر قطع عضو: .....
- ۸۹ - ۱-۲ گزارشات نمایندگان ویژه «کمیسیون حقوق بشر» در خصوص کیفر قطع عضو .....
- ۱-۳ بررسی توصیه‌ها و تفسیرهای نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد در خصوص کیفر  
قطع عضو .....
- ۸۹ - کمیته حقوق بشر: .....
- ۹۰ - کمیته منع شکنجه: .....
- ۹۴ - ۲- کیفر تازیانه (Whip) .....
- ۹۶ - ۲-۱ قطعنامه‌های صادره علیه دولت ایران در خصوص کیفر تازیانه: .....
- ۲-۲ بررسی توصیه‌ها و تفسیرهای نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد در خصوص کیفر  
تازیانه: .....
- ۹۸ - کمیته حقوق بشر: .....
- ۹۹ - کمیته منع شکنجه: .....
- ۱۰۳ - ضمیمه: بحثی پیرامون اجرای علنی حدود .....

فصل سوم: بررسی قابلیت انطباق مجازاتهای بدنی حدی با موازین حقوق بشر.....	۱۱۱
گفتار اول: قائلین به موضوعیت داشتن مجازاتهای بدنی حدی.....	۱۱۳
۱- مفهوم مصلحت و تأثیر آن بر اجرای احکام اسلامی.....	۱۱۴
۱-۱ ملاک تشریح احکام در اسلام.....	۱۱۴
۱-۲ تغییر ملاکات با تغییر شرایط و مقتضیات.....	۱۱۷
۱-۳ حرمت تنفیر از دین (قاعده ای با مبنای مصلحت).....	۱۲۰
۱-۳-۱ مستندات قاعده.....	۱۲۳
۱-۳-۲ دامنه اجرای قاعده.....	۱۲۷
۲- تعطیل اجرای حدود در زمان غیبت معصومین (ع).....	۱۳۰
- قائلین به تعطیل اجرای حدود و دلایل آنان.....	۱۳۱
گفتار دوم: قائلین به طریقت داشتن مجازاتهای بدنی حدی.....	۱۳۴
- مقتضیات زمان و مکان.....	۱۳۶
۱- سنت خداوند در تشریح احکام.....	۱۳۸
۲- سیره رسول خدا و ائمه اطهار در امور جزایی.....	۱۴۰
۳- قوانین ثابت و متغیر.....	۱۴۴
۴- عرف و بناء عقلاء.....	۱۴۹
نتیجه‌گیری.....	۱۵۶
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۶۲



## مقدمه

تحولات زندگی اجتماعی بشر به ما آموخته است که از ابتداء شروع این زندگی تا به حال، اشکال آن تغییر کرده است و به دنبال این تغییر و تحول، نظام‌های اجتماعی و حکومتی نیز دگرگون شده‌اند. زندگی کوچ‌نشینی، یکجانشینی و سپس رشد فزاینده حجم جوامع و مناسبات حاکم در آنها، ایجاد حکومت اولین دولت-شهرها و تحول و توسعه به قلمروهای بزرگ و شکل‌گیری دولت-کشورها، تغییر و تحولات مرحله اول زندگی بشر است. در مرحله بعد، ایجاد روابط میان مجموعه دولت-کشورها مبتنی بر یک نظام حقوقی بود که می‌توان پایه‌های فکری آن را در قرن چهاردهم میلادی جستجو کرد. این روابط تا نیمه اول قرن بیستم به شکل روابط میان حکومت‌ها و بعضاً با تنظیم و تدوین قواعد و مقرراتی در باب جنگ و صلح، ادامه داشته در عین حالی که کیفیات نظم داخلی مجموعه‌های ملی بر اثر شیوه‌های نوین اقتصادی و اجتماعی زندگی، تغییراتی عمده‌ای کرده بود.

تا این مقطع زمانی، حقوق کیفری تنها جنبه ملی داشت و فاقد جنبه بین‌المللی یا جهانی بود و کیفر به طور مطلق در اختیار حکومتها بود. گذشته از یک حداقل نظام‌مندی نظری و ندرتاً عملی به واسطه حضور و نگرش ادیان در این خصوص، بی‌قاعدگی، تبعیض و خشونت شدید از خصوصیات سیاست کیفری در این دوره هستند و هیچ بازرسی یا ارزیابی از شیوه اعمال مجازاتها توسط یک نهاد غیرحکومتی در این برهه، وجود نداشت.

با رشد روابط بین‌المللی میان دولت‌ها در حوزه‌های گوناگون و پیشرفت تکنولوژی و فناوری، به خصوص در عرصه ارتباطات، شاهد توسعه‌ای هستیم که تا اواسط قرن بیستم نه فقط در زمینه‌های تجارت و صنعت بلکه در فعالیتهای مدنی از جمله تشکیل انجمن‌های مذهبی، جنبش‌های مدنی-کارگری، تشکلهای مدافع حقوق زنان، نهضت‌های صلح و ... رخ می‌دهد که حکایت‌گر توسعه روابط، بین ملل و میان دولت‌ها می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین مراجع بین‌المللی که دولت‌ها ایجاد کردند، سازمان ملل متحد است. این سازمان را از نهادهایی دانسته‌اند که نوید تحکیم پیوند در میان تمام مردمان جهان را داده است. در بستر حقوقی، فعالیت‌ها و تلاشهای این سازمان قابل توجه بوده که نه تنها به عنوان بیان‌کننده حقوق بلکه سبب

شکل‌گیری قواعد حقوقی نیز شده است. موضوعی که تا قبل از ایجاد سازمان ملل به انجام نرسیده بود.<sup>۱</sup>

قبل از تشکیل سازمان ملل، جامعه ملل ایجاد شده بود که با کناره‌گیری آمریکا و عدم الحاق دولتهای ایتالیا و شوروی به این جامعه و به عبارتی فقدان قدرت لازم و کافی برای اجرای تصمیمات متخذ، از هم فرو پاشیده شد. اما با این وجود ایجاد جامعه ملل، باعث پیدایش تحولاتی در روابط بین دولتها و ملتها شد که پس از جنگ دوم جهانی پیشرفت بسیار کرد.<sup>۲</sup>

جامعه ملل در حیطه حقوق کیفری تلاشهای اندک و محدودی را به انجام رساند؛ اقدام در خصوص تصویب کنوانسیون جلوگیری و مجازات تروریسم، کنوانسیون ایجاد یک دادگاه جزایی بین‌المللی، حمایت از حقوق و آزادی شهروندان، تضمین محاکمه عادلانه کیفری و اولویت دادن به اصلاح محکومین زندانی از مهم‌ترین این تلاشها به شمار می‌آیند. با این همه جامعه ملل نتوانست الگوی مناسبی برای کشورهای عضو در این زمینه تهیه کند.<sup>۳</sup>

تلاش جامعه ملل اگرچه ناکام ماند اما فی‌نفسه و از حیث ضرورت تشکیل چنین سازمانی، دارای اهمیت بوده است.

اما سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ تشکیل شد. حقوق کیفری، از اولین موضوعاتی بود که مورد توجه این سازمان قرار گرفت، چه در قالب مقررات خاص این رشته و چه در قالب مقررات حقوق بشری؛ شاید این موضوع به دلیل توجه قبلی جامعه ملل به آن و نیز اساساً این باشد که انسان به عنوان متهم و با دستاویز قوانین کیفری از جانب حکومتها، مورد شدیدترین ستمها قرار گرفته بود.

---

<sup>۱</sup> - هانری لوی برول، جامعه‌شناسی حقوق، ترجمه ابوالفضل قاضی (تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۰) صص ۱۴۲-۱۴۰.

<sup>۲</sup> - مالکوم واترز، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی (تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹) چاپ اول، ص ۱۶۶.

<sup>۳</sup> - علی حسین نجفی ابرنآبادی، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ۱۳۷۵، صص ۲۹۴ و ۲۹۵.

علیرغم اینکه عده‌ای، بزهکاری را تنها یک امر حقوقی مربوط به نظم داخلی کشورها می‌دانستند و با توجه به بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد، آن را در صلاحیت سازمان ملل تلقی نمی‌کردند، این سازمان پس از شکل‌گیری در راستای تهیه و تدوین ابزارهای مختلف سیاست جنایی اقدام نمود تا دولت‌های عضو بتوانند نظام‌های حقوق کیفری و غیرکیفری، پیشگیری از جرم و اصلاح و بازپروری مجرمین را تنظیم، ارزیابی و هماهنگ نمایند.<sup>۱</sup>

تحولات جهان معاصر از یک سو به تحکیم و توسعه ارزش‌های مشترک میان تمامی جوامع بشری انجامیده، دیوار مرزهای ملی را هر چه کوتاه‌تر و باریک‌تر و فرهنگ‌ها را به هم نزدیکتر ساخته و از سوی دیگر، نیازها، آرمان‌ها، دغدغه‌ها و نگرانی‌های مشترکی را برای آحاد بشر به وجود آورده، که این امر خود موجب توسعه روزافزون حقوق بین‌الملل شده است.<sup>۲</sup>

آگاهی بشر از این منافع و ارزش‌های مشترک، جنبه تازه‌ای از زندگی بین‌المللی است؛ از جمله این آگاهی، حقوق بشر، یعنی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که تحت عنوان «حقوق جمعی و مشترک» طبقه‌بندی می‌شوند.

با تدوین و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیونهای معروف به میثاقین، که از مهم‌ترین اسناد حقوق بشری سازمان ملل به شمار می‌آیند، شاهد نظارت و بررسی این سازمان با تأکید بر اجرایی شدن این اسناد بوده‌ایم. کمیسیون حقوق بشر وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد - کمیسیون حقوق بشر در حال حاضر تبدیل به شورای حقوق بشر شده است - که محور فعالیت خود را مسائل و موضوعات انسانی قرار داده، از سال ۱۹۶۶ نقض حقوق بشر در کشورها را بررسی و فعالیت‌هایی را در راستای نظارت و پیشگیری از نقض حقوق بشر به عمل آورده است. آغاز بررسی‌های مذکور، نقض حقوق بشر در شیلی در سال ۱۹۷۳ بود که متعاقب صدور قطعنامه شماره

---

<sup>۱</sup> - منبع پیشین، صص ۲۶۹ و ۲۶۷.

<sup>۲</sup> - کریانگ ساک کیتی شیایزری، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳) چاپ اول، ص ۱ (پیشگفتار مترجمان).

۱۵۰۳ مورخ ۲۷ مه ۱۹۷۰ شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد برای تحقیق در خصوص نقض حقوق بشر در کشورها به انجام رسید.<sup>۱</sup>

تحقیقات و نظارت‌های سازمان ملل متحد کم‌کم به شکلی سازمان‌یافته توسعه پیدا کرده است. کمیته‌های ایجاد شده در جهت حسن اجرای کنوانسیونهای مصوب، عمده‌ترین نهادی هستند که وظیفه نظارت را بر عهده دارند. از جمله مهم‌ترین کمیته‌های یاد شده، کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی، کمیته الغاء تبعیض نژادی، کمیته حقوق کودک، کمیته منع شکنجه و کمیته الغاء تبعیض علیه زنان می‌باشند که در بردارنده قواعد و مقرراتی در حوزه حقوق کیفری نیز هستند.

نظام جدید بین‌المللی حقوق بشر که یک پدیده بعد از جنگ دوم جهانی به حساب می‌آید در تغییر مقررات داخلی کشورها تأثیرگذار بوده است. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر بی‌هیچ رأی مخالفی و میثاقین، گامهای بلندی بود که بشر برای تضمین ارتقاء بیشتر حقوق بشر برداشت. کشور ما ایران، قبل از انقلاب، با دادن رأی مثبت به اعلامیه و تصویب میثاقین، خود را به اصولی متعهد کرده است. پس از انقلاب به جهت رواج تفکر شرعی و اسلامی کردن همه زمینه‌ها و تسری این امر به حوزه حقوق از جمله حقوق کیفری مشکلاتی پدیدار شد. یکی از جدی‌ترین موضوعاتی که در بین مقامات ارشد کشور و علما پس از انقلاب سال ۵۷ مطرح شد و نسبت به آن، نوعی اجماع وجود داشت مسئله ضرورت و لزوم اصلاح و تغییر قوانین و مقررات کیفری موجود و جایگزین ساختن قوانین جزایی اسلام در نظام قضایی کشور بود. لزوم این تغییر و تحول، ناشی از این اندیشه بود که قوانین جزایی موجود، از غرب و مقررات غیرشرعی گرفته شده و هرچه سریعتر باید این قوانین جای خود را به احکام جزایی برگرفته از فقه اسلامی بدهد؛ به ویژه که اغلب مسئولان درجه اول نظام جدید از تحصیل کرده‌های حوزه‌های علمیه بوده و نسبت به اعمال قواعد و مقررات شرعی، خصوصاً احکام جزایی، نوعی تعهد و رسالت تاریخی و دینی احساس می‌کردند. به همین جهت موضوع اصلاح و تغییر قوانین جزایی در دستور کار قرار گرفت و به موجب لوایح متعدد، قوانین به سرعت

---

<sup>۱</sup> - محمدرضا گلشن‌پژوه، «سازمان‌های غیردولتی، ابزارهای کارآمد ارتقای حقوق بشر»، مندرج در مجموعه حقوق بشر و چشم‌اندازها، (تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲) چاپ اول، صص ۸۳ و

تغییر کردند. یکی از نتایج این تغییر و تحولات، قانون مجازات کنونی است که به دلیل وجود موارد بسیار زیاد مجازاتهای بدنی، مورد انتقاد و اعتراض شدید نهادهای مختلف حقوق بشری قرار گرفته است. این نهادها استدلال می‌کنند که اعمال مجازاتهای بدنی و خشن، خلاف ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است و از آنجایی که دولت ایران یکی از اعضای میثاق می‌باشد تعهداتی دارد که باید نسبت به تعهدات خود پایبند باشد؛ حکومت ایران با اعمال مجازاتهای بدنی در جهت نقض ماده ۷ میثاق اقدام می‌کند. امروزه تقریباً این مفهوم جا افتاده است که دولتی که به نحو وسیعی حقوق بشر و آزادیهای اساسی اتباع خود را نقض می‌کند، به تعهدات خود در رابطه با منشور سازمان ملل متحد در جهت توسعه و رشد حقوق بشر، عمل نکرده و در نتیجه منشور را نقض کرده است.<sup>۱</sup>

سازمان ملل با صدور قطعنامه‌ها، دولت‌های ناقض حقوق بشر را به متوقف ساختن این وضعیت فرا می‌خواند.

باب حدود قانون مجازات اسلامی که بستر کار ما در این رساله را تشکیل می‌دهد، در برگیرنده موارد متعددی از انواع مجازاتهای بدنی می‌باشد. این در حالی است که از دید صاحب نظران موضوعات حقوق بشری سازمان ملل، مجازاتهای بدنی و خشن ولو در قانون آمده باشد و به حکم دادگاه و به موجب قانون مصوب اجرا شود، مشمول ممنوعیت مجازات خشن و غیرانسانی موضوع ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۶ کنوانسیون منع شکنجه می‌باشد. از این رو قطعنامه‌های بسیاری در این خصوص علیه دولت جمهوری اسلامی از طرف نهادهای حقوق بشری سازمان ملل صادر شده است. در این قطعنامه‌ها با یادآوری عضویت دولت ایران در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، از حکومت ایران خواسته شده تا به تعهدات خود در رابطه با میثاق پایبند باشد و با جلوگیری از اعمال مجازاتهای بدنی از نقض ماده ۷ میثاق، اجتناب نماید.

---

<sup>۱</sup> - منشور ملل متحد در پنجم تیرماه ۱۳۲۴ مطابق با ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ از طرف دولت وقت ایران در سانفرانسیسکو امضاء شد و در تاریخ ۱۳ شهریور ماه ۱۳۲۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. به نقل از: اردشیر امیرارجمند، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر (تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱)، ج اول، ص ۶۷.

دولت جمهوری اسلامی از یک سو به لحاظ موازین بین‌المللی، ادامه دهنده شخصیت حقوقی دولت ایران است که در سابق بدون هیچ‌گونه قید و شرطی خود را نسبت به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی متعهد نموده و دیگر گریزی از آن ندارد و از سوی دیگر اصل ۴ قانون اساسی ایران پس از انقلاب، او را مکلف به تنظیم و تطبیق کلیه قوانین براساس موازین اسلامی می‌نماید. حال سؤال بسیار مهمی در اینجا مطرح می‌شود و آن اینکه آیا واقعاً به لحاظ حقوقی مجازاتهای بدنی حدی با موازین حقوق بشر در تقابل است؟ و آیا همه مجازاتهای بدنی به واقع همان مجازاتهای ظالمانه و غیرانسانی می‌باشند که اعمال آنها نقض ماده ۵ اعلامیه و ماده ۷ میثاق تلقی می‌شود؟ یا این که برخی از کیفرهای بدنی خلاف موازین حقوق بشر نمی‌باشند و اجرای آنها مانعی ندارد. اگر پاسخ به سؤال فوق مثبت باشد و همه یا برخی از مجازاتهای بدنی حدی، خلاف موازین حقوق بشر تلقی شود، خودبخود این سؤال مطرح می‌شود که آیا راهی برای تطبیق و نزدیک سازی مجازاتهای بدنی یا همان مجازاتهای شرعی با موازین قطعی و مسلم حقوق بشر وجود دارد؟

با توجه به طرح بحثی که ارائه شد، ضرورت یافتن پاسخ مناسب برای سئوالات مطروحه فوق مشخص می‌شود. به نظر می‌رسد که مجازاتهای حدی مندرج در قانون مجازات اسلامی، تعارضات و تقابلاتی با حقوق بشر داشته باشد که با توجه به نظریات فقهی موجود در این باب و با تعمق و تفکر در خصوص فلسفه وضع کیفرهای اسلامی، می‌توان گفت که این مجازاتها قابلیت سازگاری و انطباق با نیازها و شرایط زمانها و مکانهای مختلف را دارا می‌باشند.

در ارتباط با موضوعات مطروحه، تحقیقاتی چه در قالب مقاله و چه در قالب پایان‌نامه با موضوعاتی تقریباً مشابه انجام شده است که بیشتر جنبه کلی و محدود داشته است؛ اما تاکنون تحقیق جامعی که به طور خاص به این موضوع پرداخته باشد انجام نشده است. متأسفانه تاکنون این موضوع جدی گرفته نشده و مقامات ذیصلاح هیچ‌گونه تلاش جدی و قابل توجهی در جهت پیدا کردن موارد اختلاف مسلم و اقدام برای تطبیق مجازاتهای شرعی با موازین حقوق بشر انجام نداده‌اند.

ما در این رساله، به دنبال تبیین دقیق موارد تقابل و تعارض مجازاتهای بدنی حدی با موازین حقوق بشر و ارائه راهکارهایی در جهت رفع این تعارضات می‌باشیم. با این امید که با طرح این دیدگاههای کهنه نو، شاهد بروز تغییر و تحولاتی در رویه قانونگذاری کشورمان باشیم.

تو خوشنود باشی و ما رستگار

خدایا چنان کن سرانجام کار

## فصل اول:

### مطالعه و بررسی اسناد و موازین حقوق بشر و معرفی اجمالی حدود

تبیین دقیق ماهیت هر موضوع نیازمند شناخت موضوعات مرتبط با آن است. با توجه به اینکه هدف از انجام این رساله بررسی میزان انطباق مجازاتهای بدنی-حدی-مندرج در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰- با موازین حقوق بشر می‌باشد؛ و از آنجائی که ارکان اصلی این تحقیق را حدود و موازین حقوق بشر تشکیل می‌دهد؛ مقتضی است که در جهت هر چه روشن‌تر شدن چارچوب کار و آشنایی بیشتر با موضوعات آن به منظور ورود به فضای بحث ابتدائاً و به طور مختصر به مطالعه این دو رکن اصلی پرداخته شود. در همین راستا گفتار اول این فصل به مطالعه و بررسی اسناد و موازین حقوق بشر و سپس گفتار دوم به معرفی اجمالی حدود اختصاص خواهد یافت.

## گفتار اول: مطالعه و بررسی اسناد و موازین حقوق بشر

«در چارچوب زمانی که جهان به هزاره سنجیده می‌شود اعلان و تدوین منظم اعلامیه‌های حقوق بشر، با تأکید بر جهانی بودنشان، جدید است. سرآغاز آن می‌تواند از مجموعه قواعد حقوقی انگلستان (۱۶۸۸)، اعلامیه استقلال آمریکا (۱۷۷۶) و اعلامیه حقوق بشر فرانسه (۱۷۸۹) بوده باشد. این اعلامیه‌ها بیانگر اصول شناسایی شده به عنوان بخشی از آن چیزی است که به نحو شایسته‌ای مقررات مدون حقوق بشر نامیده شده است. هر موجود انسانی حقوق معینی دارد که توسط هیچ قانونگذاری بر او اعطا نگردیده است؛ با خریدن به دست نیامده است؛ بلکه به واسطه انسانیتش ذاتی اوست. هیچ موجود انسانی نمی‌تواند از رهگذر اراده قانونگذار یا حتی اقدام خود از هر یک از حقوق (ذاتی) خویش محروم شود. هرچند مقررات جدید حقوق بشر به بیش از سه قرن بر نمی‌گردد، اما تاریخ کرامت بشری به هزاران سال بر می‌گردد؛ زرتشت نسبت به پست‌ترین رعیت، مفهومی از کرامت را اعطاء کرد که هیچ امپراطوری نمی‌تواند او را از آن محروم نماید. لذا تعجب آور نیست که اولین اعلامیه حقوقی، بر لوح گلی در زمان سلطنت کوروش کبیر (۵۲۹-۵۹۹) نگاشته شده است. درخواست انسانها درباره حقوق بشر، عموماً از آغاز بشریت شروع گردیده است. این درخواست کمتر با دلیل و استدلال طرح گردیده، بلکه بیشتر با آن چیزی که به طور غریزی احساس می‌شد که درست و مطلوب باشد، انجام می‌پذیرفت.<sup>۱</sup>»

نظام بین‌المللی حقوق بشر امروز تا حد زیادی از سابقه تاریخی اش متفاوت است. نظام جدید بین‌المللی حقوق بشر یک پدیده بعد از جنگ دوم جهانی است؛ بروز جنایات وحشیانه نازیسم و فاشیسم و فجایع ضد بشری در جریان جنگ جهانی دوم، نشر بعضی از افکار و اندیشه‌های فلسفی راجع به حقوق بشر و نیز شکست جامعه ملل زمینه ساز تأسیس سازمان ملل متحد گردید.<sup>۲</sup> «یکی از

۱- فالی، اس. نریمان، جهانشمولی حقوق بشر، مندرج در حقوق بشر در پر تو تحولات بین‌المللی، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷) چاپ اول، صص ۸۹ و ۹۰.

۲- ر. ک. محمدقاری سیدفاطمی، «حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر اول درآمدی بر مباحث نظری، مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع» (تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲)



اهداف ایجاد سازمان ملل متحد، تلاش در حفظ جمعیت و حیثیت انسانی بشر و ارتقای سطح حقوق بشر و کاهش اختلافات صفاتی در جامعه بشری و در نتیجه برابری و برادری ملتها است.<sup>۱</sup>

در این راستا مهمترین فعالیتی که صورت گرفته است تدارک و تهیه منشور بین‌المللی حقوق بشری می‌باشد؛ که عبارت است از: اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل‌های الحاقی آن.<sup>۲</sup>

تا کنون اعلامیه‌ها، کنوانسیونها و پروتکل‌های بسیاری در ارتباط با موازین حقوق بشر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است که ایران نیز تعدادی از آنان را پذیرفته است.<sup>۳</sup> از مهمترین این اسناد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد. بسیاری از اصول قطعی و زیر بنایی حقوق بشر، در این اسناد در قالب مواد و بندهای مختلف تعیین شده است. این اسناد مهم و با ارزش در برگیرنده قواعد پایه‌ای و بنیادین حقوق بشر می‌باشند.

قواعد و موازین بنیادین حقوق بشر، یا هسته سخت حقوق بشر از قواعد پایه‌ای و بنیادینی محسوب می‌شوند که در برابر دیگر قواعد حقوق بشر، برجسته‌تر و غیرقابل نقض می‌باشند و به عبارت دیگر انحراف بردار نیستند.

این دسته از قواعد با وصف آمره توصیف می‌شوند. اهمیت این دسته از قواعد در سرشت ابطالگر آنها نهفته است. به این معنا که عمل معارض با آنها باطل است.

بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مجموعه‌ای از قواعد را به عنوان حقوق غیرقابل انحراف و غیر قابل نقض نام برده است؛ به عبارت دیگر بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۶ و ۷، بند ۱ و ۲ ماده ۸ و مواد ۱۱، ۱۶، ۱۵ و ۱۸ را از جمله حقوق غیر قابل

---

۱- شیرین عبادی، تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران (تهران: انتشارات روشنگران، ۱۳۷۳) چاپ اول، ص ۱۳.

۲- حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷) چاپ دوم، ص ۴۲.

۳- برخی از اسنادی که دولت ایران به آنها ملحق شده است، عبارتند از: ۱- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۲- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۳- کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی ۴- کنوانسیون بین‌المللی مربوط به لغو و مجازات آپارتاید ۵- کنوانسیون ضد آپارتاید در ورزش ۶- کنوانسیون حقوق کودک ۷- کنوانسیون لغو برده داری ۸- کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان. ر. ک حسین مهرپور، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴) چاپ اول، ص ۲۱.

انحراف یا همان قواعد بنیادین حقوق بشر در هر وضعیتی اعم از خطر عمومی، تهدید نسبت به ملت، فورس ماژور، انقلاب، شورش و جنگ بر شمرده است.<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب ارائه شده، مقتضی و مناسب است تا در این گفتار به دو سند از مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پرداخته شود؛ که ابتدائاً اعلامیه جهانی حقوق بشر و سپس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در پایان نیز با توجه به ارتباط مستقیم کنوانسیون منع شکنجه با موضوع بحث ما، به بررسی مختصر آن می‌پردازیم.

## ۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ آذرماه ۱۳۲۷)، یعنی سه سال بعد از پایان جنگ خانمانسوز جهانی دوم، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، طی قطعنامه شماره A ۲۱۷ به تصویب ۴۸ عضو از ۵۶ عضو وقت سازمان ملل رسید. این اعلامیه هیچ رأی مخالفی نداشت و فقط ۸ عضو سازمان رأی ممتنع دادند.<sup>۲</sup>

اعلامیه جهانی حقوق بشر، اولین اعلامیه فراگیر حقوق بشر است که در یک سازمان بین‌المللی به تصویب رسیده است. این اعلامیه به عبارتی به عنوان تفاهم نامه مشترک ملتها راجع به حقوق و آزادیهای اساسی انسان توصیف گردیده است. رئیس وقت مجمع عمومی سازمان ملل متحد پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان داشت: «پذیرش این اعلامیه با اکثریتی بزرگ، بدون هیچگونه

---

۱- مهدی ذاکریان، حقوق بشر در هزاره جدید (تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱) چاپ اول، ص ۷۷. به نقل از:

office of the united Nations High commissioner for Human Rights , status of Ratifications.

و مهدی ذاکریان، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳) چاپ اول، صص ۲۲ و ۲۳.  
۲- محمد تقی جعفری تبریزی، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر (از دیدگاه اسلام و غرب) و تطبیق آن دو بر یکدیگر (تهران: انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰) چاپ اول، ص ۴۶.

مخالفت مستقیم، خود دستاورد قابل ملاحظه‌ای است و میلیونها نفر مرد وزن و کودک در سراسر جهان، از آن کمک، راهنمایی و الهام خواهند گرفت.<sup>۱</sup>»

اعلامیه جهانی حقوق بشر به رغم محوریت آن به دلیل اعلامیه بودن به عنوان سندی غیر الزام آور تلقی خواهد شد. البته باید گفت که بیشتر هنجارها و موازین این سند بین‌المللی، امروزه به صورت عرف بین‌المللی و حتی برخی از آنها جزء قواعد آمره حقوق بین‌الملل به شمار می‌آیند. بنابراین، اگر چه اعلامیه جهانی به دلیل اعلامیه بودن خود سندی الزام آور نیست، لیکن بیشتر هنجارهای آن امروزه به عنوان هنجارهای الزام آور حقوق بین‌الملل بشر به شمار می‌آیند.<sup>۲</sup>

با این وجود، هنوز همه مقررات مندرج در اعلامیه، به عنوان قواعد آمره و یا مسلم عرفی حقوق بین‌الملل به شمار نمی‌آیند؛ که به این دلیل همه آنها الزام آور باشند. ولی به هر جهت نمی‌توان منکر این موضوع مهم شد که امروزه اعلامیه جهانی حقوق بشر از جایگاه ویژه‌ای در جامعه بین‌الملل برخوردار است که هیچ یک از اسناد حقوق بشری از چنین موقعیتی در فضای بین‌المللی بهره‌مند نمی‌باشند.<sup>۳</sup>

اعلامیه جهانی حقوق بشر مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده است. این اعلامیه ناظر به دو دسته از حقوق اساسی، یعنی حقوق سیاسی و مدنی و حقوق اقتصادی و اجتماعی است. اهمیت حقوق و اصول مندرج در این اعلامیه به اندازه‌ای می‌باشد، که هر یک در غالب کنوانسیونهای متعدد تبیین گردیده است. که مهمترین آنها، کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی مصوب ۱۹۶۶ است. یکی از مهمترین این اصول، کرامت انسانی می‌باشد. اعلامیه حقوق بشر اهمیت و لزوم مراعات حیثیت و کرامت بشری را در موارد زیر متذکر شده است:

۱- پاراگراف اول از مقدمه که عوامل و انگیزه‌های وضع و تدوین حقوق بشر را مطرح می‌کند. عبارت چنین است: «از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد...».

۱- حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۴۴.

۲- محمد قاری سید فاطمی، منبع پیشین، ص ۱۹۹.

۳- حسین مهرپور، نظام بین‌الملل حقوق بشر، ص ۵۲.

۲- ماده ۱: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.»

۳- ماده ۵: «احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.»<sup>۱</sup>

از این مواد و جملات مقدمه به خوبی مشخص می‌شود که کرامت، حیثیت و شرافت انسانی اساسی‌ترین مبنای حقوق جهانی بشر است.

کرامت بشری یک ارزش جهانشمول است؛ بنا به عقیده برخی، حقوق بشر چیزی برابر و هم اندازه با کرامت بشری نیست؛ بلکه بیشتر به معنی کمال حمایت از کرامت بشری است.<sup>۲</sup>

از «کرامت» انسان در متون و اسناد حقوقی تعریفی مشاهده نمی‌شود. اما در عین حال مورد توجه و تأکید می‌باشد. علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه از دیگر متونی هستند که کرامت انسانی را فی نفسه مورد توجه قرار داده‌اند و بر پایه آن به استنتاج حقوق دیگر می‌پردازند.

گروهی کرامت را واجد دو جنبه ایجابی و سلبی دانسته‌اند. از لحاظ ایجابی، احقاق و اعمال حق و تحقق کرامت مطرح است و از لحاظ سلبی، منع خشونت و تجاوز و تهاجم به کرامت انسان استنتاج می‌شود و بشر را من حیث بشریت مستحق آن می‌دانند.<sup>۳</sup>

علیرغم مطالب مذکور دیدگاهی وجود دارد که کرامت را این گونه تعریف می‌نماید: کرامت انسانی، یعنی اینکه خداوند متعال انسانها را بدون استثناء از حیثیت و شرافتی یکسان بهره‌مند ساخته است؛ کرامت ذاتی انسان موهبتی است از طرف خدا، مانند خرد و وجدان که دو موهبت عظمای

---

۱- مواد دیگری مانند ماده ۱۲، ماده ۲۵ و بند ۲ ماده ۲۶ اشاره به اصل کرامت دارند که به دلیل ارتباط با موضوع بحث از پرداختن به آنها صرفنظر می‌کنیم.

۲- مهدی ذاکریان، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی، ص ۱۹.

۳- حسین شریفی طراز کوهی، مقدمه کتاب «حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی»، صص ۱۹ و ۲۰ و مرتضی جوانمردی صاحب، جهانی شدن حقوق کیفری، رساله دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶.